

واکاوی آثار معماری و اقدامات عمرانی نخستین حکمرانان سلجوقی براساس منابع مکتوب از سال ۴۲۹ تا ۴۶۵ هـ.ق.

مهرداد یوسف‌زمانی*

عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه کردستان
mu1341@yahoo.com

علی نعمتی آبکناری

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تهران

ستار خالدیان

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰
(از ص ۲۲۷ تا ۲۴۴)

چکیده

ایام حکومت سلجوقیان، یکی از دوره‌های درخشان عرصه‌ی معماری و هنر ایران به‌شمار می‌آید. سلجوقیان، اقدامات عمرانی قابل توجهی انجام دادند و از خود حجم وسیعی از ابنیه را برجای نهادند که جزو شاهکارهای معماری ایرانی محسوب می‌گردند. در این راستا، بسیاری از پژوهشگران به مطالعه‌ی آثار این دوران باشکوه پرداخته‌اند، اما عمده مطالعات و تحقیقات صورت گرفته توسط آنان بر ادوار میانی و پایانی حکومت سلجوقیان تکیه دارد و اطلاعات بسیار اندکی راجع به دوران نخستین حکمرانان این سلسله در دست است؛ تا آن‌جا که برخی از محققین، باور به آغاز فعالیت‌های عمرانی سلجوقیان، به تاریخی بعد از سال‌های ۴۵۹ هـ.ق. دارند که این تا حد بسیار زیادی، ریشه در عدم مشاهده‌ی آثار معماری پابرجا متعلق به اوایل این حکومت دارد. در این مقاله که براساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی است، برآن هستیم با تأکید بر منابع تاریخی، به ارزیابی عدم برجای ماندن آثار شاخص معماری در اوایل عهد سلجوقی بپردازیم و نقش عواملی همچون: ماهیت نظامی دولت سلجوقی و درگیری‌های آنان با رقبای هم‌عصرشان را در حوزه‌ی عمرانی مورد واکاوی قرار دهیم. در نتیجه مطالعه‌ی منابع تاریخی روشن می‌گردد، برخلاف تصور رایج در دوران سلاطین نخست سلجوقی، اقدامات عمرانی قابل ملاحظه‌ای جریان داشته است و سلاجقه در آغاز حکمرانی خود، برخلاف ماهیت نظامی‌شان، در اکثر شهرهای ایران و عراق به ساخت ابنیه‌ی متعدد، به‌ویژه مدارس و مساجد پرداخته‌اند و عدم پابرجایی این آثار در حال حاضر و به‌دست نیامدن آن‌ها در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی به‌معنای عدم توجه آنان به حوزه‌ی عمران و معماری نیست.

کلیدواژگان: سلجوقیان، معماری، منابع مکتوب، طغرل، آلپ ارسلان.

مقدمه

ایام حکومت سلسله‌ی سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ ه.ق.) به لحاظ میزان ابداعات و تحولات هنری و همچنین شمار آثار شاخص احداث‌شده در زمره‌ی غنی‌ترین دوره‌های معماری تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. با این‌همه مطالعات مربوط به تاریخ تحولات معماری این دوره‌ی طولانی، عمدتاً به ادوار میانی و پایانی سلسله سلجوقی اختصاص یافته‌اند. چنین رویکردی با در نظر گرفتن کثرت مجموعه آثار معماری به‌جای مانده از اواخر قرن پنجم و سرتاسر قرن ششم ه.ق. امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو با در نظر گرفتن تاریخ احداث قدیمی‌ترین این ابنیه که مربوط به گنبد شمال‌شرقی مسجد جامع اصفهان با تاریخ ساخت ۴۶۷ ه.ق. می‌گردد، اطلاعات ما از تحولات معماری ایرانی و آثار معماری احداث شده در دوران سلطنت نخستین حکام سلجوقی طغرل و آلپارسلان بسیار اندک و ناچیز است. این کمبود اطلاعات تا آن‌جاست که برخی از محققین هنر اسلامی معتقدند که فعالیت‌های معماری و ساختمان‌سازی در عصر سلجوقی از حدود سال‌های ۴۵۹ ه.ق. و تقریباً هم‌زمان با تاریخ احداث نظامیه‌ها آغاز شده است (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۴: ۳۸۸)، اما نگارندگان بر این باور هستند که عدم برجای ماندن آثار شاخص معماری از دوران سلطنت نخستین حکام سلجوقی، نظیر آثاری که در دهه‌های پایانی قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه.ق. بنا شده‌اند، به معنی عدم تلاش حاکمان و رونق معماری و ساخت‌وساز در این روزگار نیست و آن را باید در نتیجه‌ی جنگ‌هایی مثل حملات غزان در اواسط قرن ششم ه.ق. که منجر به ویرانی عمده آثار سلجوقی خراسان و مساجد و مدارس مشهور آن گردید^۱ و همچنین حمله‌ی مغولان، شدت یافتن اختلافات مذهبی و درگیری‌های فرقه‌ای بین حنفیه، شافعیه، شیعیان و اهل سنت دانست و شهرهای نیشابور و ری که عمده آثار مهم عصر طغرل و آلپارسلان در آن‌ها احداث گردیده‌اند بیش از سایر شهرها بر اثر درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای آسیب دیدند، تا جایی که این شهرها پیش از حملات غزان و مغولان به‌شدت تخریب‌شده بودند.

این‌جاست که نقش منابع مکتوب در بازسازی سیر تحولات معماری عصر سلجوقی و بالاخص عصر سلاطین نخست سلجوقی اهمیت بیشتری می‌یابد. همچنین شناخت تاریخ تحولات معماری این دوره به‌عنوان حلقه‌ی واسط تجربیات چهار قرن معماری ایرانی و پیدایش معماری درخشان عصر سلجوقی، می‌تواند در شناخت بهتر روندی که منجر به احداث شاهکارهای بزرگ معماری ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه.ق. گردید، سودمند باشد.

با بررسی کلیت گزارش‌های متون تاریخی از رخداد‌های این عصر، می‌توان دریافت که عمده گزارش منابع مکتوب در باب سلطنت طغرل و آلپارسلان به فتوحات و نبردها و حوادث سیاسی این عصر اختصاص یافته و از این‌رو سؤال‌های اصلی این پژوهش با توجه به همین نکته طرح گردیده است.

سؤالات: ۱- عدم به‌جای ماندن آثار شاخص معماری متعلق به اوایل عهد سلجوقی در ایران را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟ ۲- ماهیت نظامی دولت سلاجقه در اوایل تشکیل این دولت و کشمکش‌ها و نبردهای گوناگون آنان با رقبایی، نظیر: غزنویان، آل‌بویه، امپراتوری بیزانس و خان‌ت‌ماوراءالنهر در پرداختن نخستین سلاطین

و حکام سلجوقی به اقدامات عمرانی و احداث آثار معماری مختلف در سرزمین‌های تحت‌سلطه این حکومت چه نقشی داشته است؟ در پاسخ به سؤالات فوق، پژوهش حاضر برآن است تا با بررسی منابع مکتوب تاریخ سلجوقیان به بررسی آثار معماری احداث شده و اقدامات عمرانی صورت گرفته در عهد طغرل و آلپارسلان (۴۲۹-۴۶۵ ه.ق.) توجه نموده و زمینه‌هایی را که منابع مکتوب دوران اسلامی با توجه به آن‌ها به انعکاس این اقدامات پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار دهد.

روش تحقیق و روش گردآوری اطلاعات

این مقاله براساس ماهیت و روش تحقیق از نوع تحقیقات تاریخی است. روش جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. بدین معنی که براساس منابع مکتوب تاریخ سلجوقیان، اعم از تواریخ عمومی و محلی، سفرنامه‌ها و کتب شرح حال و تراجم و طبقات علما و متون مذهبی، سیر اقدامات عمرانی و آثار معماری احداث شده در عهد طغرل و آلپارسلان (۴۲۹-۴۶۵ ه.ق.) مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

معماری در پرتو منابع تاریخی

آثار مکتوب دوره‌ی اسلامی، به‌رغم بسیاری از کاستی‌ها^۲ در بیان جزئیات و هم‌چنین توجه و تمرکز عمده آنان بر رویدادها و کشمکش‌های سیاسی و گزارش جنگ‌ها و نبردها، حاوی اطلاعاتی ارزشمند در باب بسیاری از جنبه‌های فرهنگی و هنری تمدن اسلامی و بالأخص آثار معماری و اقدامات عمرانی هستند (افشار، ۱۳۵۵: ۲-۵) که دست یافتن به این قبیل اطلاعات معمولاً در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی امکان‌پذیر نیست. اگرچه جستجو در منابع مکتوب دوران اسلامی دارای دشواری‌های خاص تحلیلی و شرایط مخصوص به‌خود، نظیر: آشنایی کافی با زبان و ادب فارسی، آشنایی با طرز استفاده از کتاب‌های مرجع، آشنایی با زبان عربی و شناخت فضای عمومی فرهنگ ایرانی است (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ با این حال مطالعه و تحلیل این منابع به جزئی‌جداپذیر از مطالعات محققان باستان‌شناسی و هنر اسلامی بدل گردیده است.

به‌طور کلی در جستجوی مفهومی به‌نام معماری و یا اثر معماری در منابع مکتوب، می‌توان به سه جنبه اصلی اشاره کرد: الف: جستجو در باب احوالات معماران و صنعتگران و اهالی فن. ب: جستجو در باب آثار تاریخی خاص و جزئیات ساخت و طرح و نقشه‌ی بناهای احداث شده. ج: بررسی اقدامات و روندهایی که منجر به ساخت آثار معماری می‌گردند.

بدیهی است که تحقیق در باب امران و مباشران اقدامات عمرانی و عوامل دخیل در ایجاد آثار معماری ذیل، این مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بنابراین، با توجه به دسته‌بندی فوق، باید گفت که برای جستجوی مصادیق معماری و اقدامات عمرانی در متون مکتوب، تنها نمی‌توان به متون صرفاً تاریخی بسنده نمود. عمده متون تاریخی عصر سلجوقی، مشابه با متون تاریخی دوره‌های قبل و بعد تصویر چندان واضحی از جزئیات اقدامات سلجوقیان ارائه نمی‌دهند و منابع دوره‌های بعد

نیز عمدتاً به بازگویی بی‌کم‌وکاست گزارش‌های این منابع پرداخته‌اند.^۳ در واقع بسیاری از اطلاعات ارزشمند در باب آثار معماری در متون عرفانی، ادبی، کتب شرح‌حال علما و فضلا ذکر گردیده است و در بسیاری از موارد متون صرفاً تاریخی تنها به وقایع سیاسی عمده عصر بسنده کرده و به جزئیاتی از قبیل: شرح‌حال فضلا و علما و زندگی عامه، خصوصیات بناها و شهرها و محلات که از میان آن‌ها می‌توان به اطلاعاتی ارزشمند در باب هنر و معماری هر دوره دست‌یافت، نپرداخته‌اند. اگرچه اطلاعات ارزشمندی از معدود تواریخ محلی به‌جای مانده از این عصر، نظیر: *تاریخ بیهق* از «علی بن زید بیهقی» و *بدایع الوقایع یا تاریخ افضل* «ابوحامد کرمانی» در باب تاریخ معماری عصر سلجوقی یافت می‌شود، اما با مقایسه میان تواریخی نظیر: *راحه‌الصدور* «راوندی»، *سلجوق‌نامه* «ظهیری نیشابوری» و *مجموع التواریخ و القصص* که به زبان پارسی در این دوران نگاشته شده و کتبی نظیر: کتاب مشهور *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض* مشهور به «*النقض*» از عالم شیعی «عبدالجلیل قزوینی رازی» (م. ۵۶۰ هـ.ق.) و یا کتاب *السیاق لتاریخ نیشابور* تألیف «عبدالغافر بن اسماعیل فارسی» (۴۵۱-۵۲۹ هـ.ق.)، می‌توان تفاوت میزان و نوع اطلاعاتی که از منابع گوناگون نوشتاری به‌دست می‌آید را به‌روشنی دریافت. علاوه‌بر منابع فوق، از دیگر منابع اطلاعاتی این دوره، می‌توان به کتب تاریخی که به زبان عربی نگاشته شده اشاره کرد که در میان آن‌ها *زبده‌النصره* تألیف «بنداری اصفهانی» (م. ۶۴۳ هـ.ق.)، *تاریخ الکامل* «ابن اثیر» (م. ۶۳۰ هـ.ق.)، *المنتظم* «ابن جوزی» (م. ۵۹۲ هـ.ق.)، *مراه‌الزمان* «سبط بن جوزی» (م. ۶۵۴ هـ.ق.) و همچنین *تاریخ ابن‌الوردی* (م. ۷۴۹ هـ.ق.) از اهمیت بیشتری برخوردارند. هرچند که عمده اطلاعات راجع به سلجوقیان در این کتب به قسمت‌های غربی امپراتوری، نظیر: شام و عراق عرب مربوط است. از این‌رو با در نظر گرفتن نکات فوق و تنوع منابع مطالعاتی عصر سلجوقی در پژوهش حاضر، تلاش گردیده است تا علاوه‌بر کتب تاریخی، عمده منابعی که به‌نوعی حاوی اطلاعاتی در باب موضوع پژوهش بوده‌اند، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

در یک جمع‌بندی، باید گفت که مواجهه منابع مکتوب دوران اسلامی و بالأخص دوره‌ی سلجوقی با آثار معماری نوعی مواجهه شخص‌محور است که در آن بر مقام، منزلت و مدح اشخاص بانی آثار معماری، بیش از توجه به جزئیات، توصیف و کارکرد بنا تأکید شده است. در این سنت تاریخ‌نگاری، اشاره به آثار معماری و هنری و اقدامات عمرانی به‌نوعی در سایه وقایع سیاسی و مذهبی و در ارتباط مستقیم با کنش‌گران سیاسی و دینی عمده این عصر واقع‌شده و معماری هیچ‌گاه به‌گونه‌ای مستقل و به‌مثابه موضوعی خاص مورد توجه این مصنفان و مؤلفان قرار نگرفته است.

انعکاس آثار معماری و اقدامات عمرانی عصر طغرل و آل‌پارسلان (۴۲۹-۴۶۵ هـ.ق.) در منابع تاریخی

اقدامات عمرانی سلاجقه، از همان آغاز حکمرانی نخستین امرای این سلسله و زمانی که هنوز ولایات عراق و غرب ایران به تصرف ایشان درنیامده بود، آغاز گردیده بود. آن‌چنان که ظهیری نیشابوری می‌گوید: «چندان خیرات که در دولت

سلاطین آل سلجوق ظاهر و انشا گشت از احیای معالم دین و تشیید قواعد مسلمانی و بناهای مساجد و رباطات و قناطر و ادرار و افطار و اوقاف که بر علما و سادات و زهاد و ابرار که در هیچ روزگار نبوده ست و آثار آن در ممالک اسلام ظاهر است»^۵ (ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۰).

اما انعکاس این اقدامات در منابع بسیار اندک و عمدتاً در رابطه‌ی مستقیم با وقایع سیاسی قرار دارد. هم‌چنین عمده منابع دسته اول تاریخی مربوط به عصر سلجوقی در اواسط و پایان قرن ششم هـ.ق. تألیف شده‌اند و رویدادهای اواسط و پایان دوره‌ی سلجوقی با تفصیل بیشتری به نسبت رخ داده‌ها و وقایع نیمه‌ی دوم قرن پنجم هـ.ق. نگاشته شده‌اند. منابعی، نظیر: *راحه‌الصدور* بین سال‌های ۵۹۹ الی ۶۰۳ هـ.ق.، *زبده‌النصره* در سال ۶۲۳ هـ.ق.، *سلجوق‌نامه* در حدود سال‌های ۵۷۱ الی ۵۸۲ هـ.ق. و *مجم‌التواریخ و التخصص* در اواسط قرن ششم هـ.ق. تألیف شده‌اند و به‌همین دلیل روایات مربوط به اواسط و اواخر دوره‌ی سلجوقی در آن‌ها حجم بیشتری از این کتب را به‌خود اختصاص داده است. باین‌حال، به‌رغم اشاره‌های مبهم و جزئی متون دوره‌ی سلجوقی و متونی که در دوره‌های بعد نگاشته شده‌اند، می‌توان به نکاتی در باب میزان و چگونگی فعالیت‌های عمرانی و بناهای احداث‌شده در این عصر پی‌برد.

بنا بر گزارش منابع، پس از غلبه بر غزنویان و سلطه بر خراسان، امرای سلجوقی و در رأس آن‌ها طغرل و چغری، فعالیت‌هایی را جهت احداث ابنیه بالأخص در شهرهای مهم خراسان آغاز نمودند؛ چنان‌که ناصر خسرو در ابتدای سفرنامه‌ی خود در بیان ورود خود به نیشابور (۴۳۷ هـ.ق.) به بنای مدرسه‌ای توسط طغرل اشاره می‌کند: «روز شنبه یازدهم شوال در نساپور شدم... حاکم زمان طغرل بیک محمد بود، برادر چغری بیک و بنای مدرسه‌ای فرموده بود به نزدیک بازار سراجان و آن را عمارت می‌کردند و او خود به ولایت‌گیری به اصفهان رفته بود» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۳). مدرسه‌ای که ناصر خسرو از آن یاد کرده است، احتمالاً همان مدرسه‌ای است که «ابوعلی فارمدی» از مشایخ خراسان در قرن پنجم (م. ۴۶۵ هـ.ق.) بنابر نقل «محمد بن منور» در *اسرارالتوحید* در ابتدای جوانی در این مدرسه که به مدرسه بازار سراجان معروف بود، علم آموخته است (محمد بن منور، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

در ادامه‌ی فتوحات طغرل، زمانی که وی به‌سوی ولایات مرکز و مغرب ایران هجوم برد پس از تصرف قطعه طبرک، دستور تجدید بنای ری که خراب‌شده بود را داد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۳۴) و عماراتی نیکو در آن ساخت (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۳۳۱) و بنابر قول نویسنده‌ی *سلجوق‌نامه* در «ده طجرشت» (تجربش امروزی) سرایی و قصری بنا کرد که وفات وی نیز در آن محل رخ داده است (ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۲). هم‌چنین وی در سال ۴۴۷ هـ.ق. پس از ورود به عراق و تصرف آن، بنابر نوشته‌ی «بنداری» در زبده‌النصره، در کنار دجله شهری ساخته و مسجد جامعی در آن بنا کرده است (بنداری، ۱۳۵۶: ۱۲). این امر در گزارش دیگر مورخان این عهد نیز تکرار شده است و بنابر روایت *سلجوق‌نامه‌ی* ظهیری نیشابوری و هم‌چنین *جامع‌التواریخ* که عیناً متن *سلجوق‌نامه* را منعکس کرده است، طغرل ابتدا «فرمود تا بر کنار دجله بالای بغداد شهری ساختند، جامعش هنوز باقی‌ست، به جامع سلطان مشهور» (ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۹؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۸۶: ۱۷).

«تتوی» از اقدام طغرل در زمینه عمارت و آبادانی واسط نیز سخن به میان آورده

و می‌گوید: «پس از فراغت از مهمات بغداد، عنان عزیمت به‌جانب واسط معطوف داشته در باب عمارت آن بلده سعی و اهتمام تمام مبذول داشته» است (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۳۳۰).

هرچند که مورخین به کم‌وکیف اقدامات طغرل در ری که مرکز حکومت وی به‌شمار می‌رفته است، اشاره چندانی ننموده‌اند؛ اما می‌توان براساس روایت کتاب *التقصص* به میزان و وسعت فعالیت‌های عمرانی و احداث بناهای عام‌المنفعه و مساجد و مدارس در ناحیه ری در قرن پنجم و ششم هـ.ق. پی‌برد (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۴-۳۷)، آن‌چنان که وی به مسجد حنفیان ری اشاره نموده و نام آن را جامع طغرل و از ساخته‌های دست وی معرفی می‌نماید (همان: ۵۵۱، ۳۷۲). از معدود اشارات دیگر در باب ابنیه‌ای که در زمان سلاجقه‌ی نخستین ساخته شده است، مقبره‌ی طغرل در ری (همان: ۵۸۰) است که مؤلف ناشناس *مجم‌التواریخ و التقصص* نیز در ذکر مقابر آل سلجوق از آن یاد کرده و اشاره می‌کند که دیگر شاه سلجوقی، طغرل بن ارسلان در مزار طغرل به خاک سپرده شده است (مؤلف ناشناس، ۱۳۱۸: ۴۶۵؛ هم‌چنین برای اطلاع بیشتر در باب مقبره طغرل در ری ر. ک. به: کریمان، ۱۳۷۱: ۱۸۲-۱۸۳).

از دیگر آثار متعلق به این دوران که براساس مطالعات باستان‌شناسی می‌توان به وجود آن‌ها پی‌برد، بنای مقبره‌ی چهل دختران دامغان و هم‌چنین کتیبه و منار مسجد جامع دامغان است که تاریخ احداث آن بنا بر احتمال به حدود سنه ۴۵۰ هـ.ق. نسبت داده شده است (عدل، ۱۳۶۱: ۲۹۹)؛ هم‌چنین احداث یکی از دو مقبره‌ی خرقان (مقبره‌ی شرقی) به سال ۴۴۶ هـ.ق. (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۴: ۳۸۳) و یا ۴۶۰ هـ.ق. است (استروناخ و یانگ، ۱۳۴۸: ۲۰).

از دیگر اقدامات منسوب به طغرل، اقدامات عمرانی است که وی بعد از هجوم به نواحی مرکزی و غربی ایران که تحت تصرف آل بویه قرار داشت، انجام می‌پذیرد. هجوم وی به این ناحیه، سبب تخریب فراوانی می‌شود؛ آن‌چنان که تتوی به محاصره‌ی اصفهان توسط طغرل در سال ۴۴۲ هـ.ق. اشاره می‌کند و می‌گوید که پس از سوختن چوب‌های مسجد جامع، اهالی اکثر عمارات را برای چوب ویران می‌کنند (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۲۷۷). وی هم‌چنین به تخریب تمامی حصارها و قلاع دفاعی اصفهان به‌دستور طغرل اشاره می‌نماید (همان: ۲۲۷۸). این تخریبات نیازمند بازسازی است و یکی از اقدامات طغرل، اقداماتی عمرانی در جهت ساخت ابنیه در این مناطق است؛ آن‌چنان که ناصر خسرو در سال ۴۴۴ هـ.ق. از اصفهان و شهرهای آن ولایت دیدار کرده است و به اقداماتی که از سوی طغرل در آبادانی ناحیه‌ی اصفهان صورت گرفته است، اشاره می‌نماید و می‌گوید در شهر خان‌لنجان در هفت فرسنگی اصفهان، نام سلطان طغرل را بر دروازه‌ی شهر نوشته‌اند و در اصفهان «پراکندگان همه روی به وطن نهاده بودند» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۶۶).

از نکات دیگر در زمینه‌ی ایجاد ابنیه، به‌ویژه «مساجد» توسط طغرل، مطلبی است که بنداری از وی نقل می‌کند: «طغرل می‌گفت که من از خدا شرم دارم که خانه‌ای بنا کنم و در پهلوی آن مسجدی بنا نمایم» (بنداری، ۱۳۵۶: ۳۳؛ علی‌بن ناصر حسینی، ۱۳۸۰: ۵۹). چنین عبارتی در منابع عربی، نظیر *مرآة الجنان* «عبدالله بن اسعد یافعی» نیز انعکاس یافته است: «و یكثر الصدقات و یبني المساجد و یقول استحي من الله تعالی ان ابني دارا لا ابني الی جانبها مسجدا» (یافعی، ۱۴۱۷: ۳، ج ۳: ۵۹).

اگرچه با توجه به شواهد معماری و باستان‌شناسی، می‌دانیم که نیمه‌ی دوم قرن پنجم هـ.ق. یکی از مقاطع مهم در تاریخ معماری ایران است؛ با این حال، تناسب چندانی میان حجم این فعالیت‌ها و انعکاس آن در منابع تاریخی مشاهده نمی‌شود. در واقع، عمده روایات تاریخی مربوط به آغاز سلسله‌ی سلجوقی به جنگ‌ها و فتوحات اینان در نواحی غربی ایران و عراق اختصاص یافته‌اند و از نواحی چون عراق عجم یا هرات و سیستان که تحت حاکمیت «بیغو» برادر طغرل قرار گرفت و هم‌چنین خراسان که چغری‌بیک، دیگر برادر طغرل تا سال ۴۵۲ هـ.ق. بر آن ولایت حکومت کرد، اطلاعات چندانی در منابع موجود نیست. ناصرخسرو نیز که در همین زمان و در ایام حکومت چغری‌بیک در خراسان در این ولایت بوده است، هرچند در سفرنامه‌ی خود به «گنبدک‌ها، مضاف و رباط‌ها» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۶۸) که در راه‌های کویری خراسان ساخته شده و آبادانی قصبات و شهرهای آن ناحیه اشاره کرده است، اما ذکری از سازندگان به عمل نمی‌آورد. از بناهای دیگری که براساس گزارش منابع به دستور چغری‌بیک در خراسان ساخته شده‌اند، می‌توان به مدرسه‌ی آلپ‌چغری اشاره کرد (نسفی، ۱۳۷۸: ۵۷۸)؛ هم‌چنین، اگرچه براساس گزارش تاریخ سیستان مطلعیم که بیغو، امیر هرات و سایر نواحی شرقی حکومت سلجوقی در سال ۴۴۸ هـ.ق. فرزند خود امیر بوری را به حکومت سیستان فرستاده است (مؤلف ناشناس، ۱۳۶۶: ۳۸۲)، اما وقایع سال‌های ۴۴۸ تا ۴۶۵ هـ.ق. در تاریخ سیستان ذکر نشده و گزارشی از اقدامات احتمالی سلاجقه در این ولایت در این سال‌ها در دست نیست. وجود تواریخ محلی معتبر راجع به تاریخ سلجوقیان، نظیر: *بدایع الزمان و تاریخ بیهق*، می‌تواند تا حدی منعکس‌کننده‌ی اقداماتی باشد که توسط عمال سلجوقیان در سایر ولایات این امپراتوری انجام گرفته است؛ هرچند که اطلاعات ما از تمام نواحی ایران یک‌دست نیست و به یمن وجود تواریخ محلی، اطلاعات ما در باب مناطقی، نظیر: خراسان و کرمان، بیش از نقاط دیگر است. با تصرف نواحی دیگری، چون کرمان که تحت سلطه‌ی قاورد، پسر چغری و برادرزاده بود، قاورد و فرزندان او نیز به احداث ابنیه و مرمت آثار و توسعه‌ی شهرهای این ناحیه پرداختند. مؤلف *بدایع الزمان* که در قرن ششم هـ.ق. تاریخ سلاجقه‌ی کرمان را تحریر کرده است، در آغاز کتاب و در ذکر تصرف کرمان به دست قاورد سلجوقی در سال ۴۴۲ هـ.ق. و مدح و ثنای او از «بناها که قاورد در کرمان فرموده» یاد می‌کند؛ هرچند از کم‌وکیف این بناها سخنی به میان نمی‌آورد (ابوحامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۳). وی هم‌چنین به توسعه‌ی دارالملک بردسیر توسط سلاجقه‌ی کرمان اشاره می‌کند و می‌نگارد که «در ریض بردسیر هیچ عمارت نبود و در ایام دولت سلجوقیان انار الله براهینهم ریض شهر بردسیر عمارت یافت» (همان: ۴). مؤلف *بدایع الزمان* توصیفی نیز از ابنیه‌ای که قاورد در راه‌های بیابانی کرمان و سیستان، از قبیل: میل‌ها، مناره‌ها، کاروانسرا، حوض‌ها و چاه‌ها که به نام قاورد خوانده می‌شد، آورده است (همان: ۱۰). این آثار تا قرن‌ها بعد به جای مانده و مورد استفاده واقع می‌شده‌اند، چنان که «محمد بن ابراهیم خبیصی» نویسنده‌ی *تاریخ سلاجقه و غزدر کرمان* نیز در سنه‌ی ۱۰۲۵ هـ.ق. و در ذکر مسافرت خود به خراسان «آثار خیرات قاوردی را به رأی‌العین مشاهده نموده» است (خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۲). مؤلف *بدایع الزمان یا تاریخ افضل*، هم‌چنین از محرابی مرمرین که در خلال فتح فارس و غلبه‌ی سلاجقه بر آل‌بویه فارس، احتمالاً

از مسجدی در فیروزآباد فارس حمل شده و در مسجد جامع بردسیر نشانده شده است، یاد می‌کند (ابوحامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۱).

عمده گزارش منابع تاریخی دوره‌ی سلجوقی و منابع دوره‌های بعد در باب سلطنت آلپارسلان (۴۴۵-۴۶۵ ه.ق.) مربوط به گزارش جنگ‌ها و نبردهای وی در غرب و شرق امپراتوری است. اما منابع تاریخی به اقدامات عمرانی وی در زمینه‌ی ساخت ابنیه‌ای به غیر از احداث مدارس نظامیه، مدارس و مساجد یاد می‌کند. برای مثال، در گزارش «هندوشاه نجوانی» در *تجارب السلف*، زمانی که «احمد بن محمد صوفی» نماینده‌ی نظام‌الملک در احداث نظامیه‌ی بغداد، مبلغی را اختلاس نمود و گریخت، پس از ندامت از این کار زمانی که برای عذرخواهی نزد خواجه آمد، از وی شنید که «اندوه از مالی نیست که تو یا دیگری خیانت کرده است، بلکه اندوه من از زمانی است که فوت شده و تدارک آن ممکن نیست. می‌خواستم این مدرسه را بنا محکم باشد، مانند بنای جامع منصور و بیمارستان عضد الدوله، چه شنیدم که آنان برای یک آجر زنبیلی گچ به کاربرده‌اند و به من گفتند که تو وجه عمارت را در آجر منقوش صرف نموده‌ای و از آن می‌ترسم که زود خراب شود» (هندوشاه نجوانی، ۱۳۴۴: ۲۷۰). شاید با همین قرینه بتوان چیزی را که از آن به‌عنوان معماری مستحکم عصر سلجوقی یاد شده و اهمیت و تأکیدی که دوام و استحکام بنا نزد سلاطین و امرا و وزرای این عصر داشته است، دریافت. همان‌گونه که آثاری که در آن عهد بنا شده و امروز نیز جای مانده‌اند دلالت بر این معنی می‌کند.

علاوه‌بر بنای مدارس نظامیه که احداث آن‌ها در عهد آلپارسلان و توسط خواجه نظام‌الملک آغاز شده بود، بسیاری از مدارس و مساجد دیگر، توسط علما و وزرای این دوران احداث شده‌اند؛ نظیر مساجدی که به درخواست آلپارسلان و نظام‌الملک توسط «حسان بن سعید ابوعلی منبعی» فقیه شافعی در نیشابور و یا مروالروذ احداث شده است (سبکی، بی‌تا، ج ۴: ۲۹۹-۳۰۰؛ عبدالغافر فارسی، ۱۴۰۳: ۳۲۸؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۶۸). از کلام مؤلف *زبده النصره* برمی‌آید که روند اقداماتی که در عصر طغرل آغاز شده بود در عهد آلپارسلان نیز ادامه یافته است. مؤلف در بیان مرگ آلپارسلان و ذکر خصال وی، می‌نگارد که آلپارسلان هنگامی که به ساختن بنایی فرمان می‌داد، تأکید می‌کرد که بنای منسوب به او بلندترین و نیکوترین ساختمان‌ها باشد و می‌گفت که این‌ها یادگارها و اثرهای ما و نشان‌دهنده‌ی بلندی همت و ثروت و مکنّت ماست (بنداری، ۱۳۵۶: ۵۵). نویسنده‌ی *تاریخ هرات* در قرن نهم، احداث برخی از بناها و قلاع ناحیه‌ی هرات و اسفزار، نظیر -حصار مظفرکوه- را به آلپارسلان منسوب کرده است (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۱: ۱۰۸).

هم‌چنین متون در ذکر لشکرکشی آلپارسلان به ناحیه‌ی گرجستان و تصرف شهرهای قارص و انی، به انهدام کلیساها و بنای مساجد در آن نواحی توسط وی اشاره می‌کنند (علی بن ناصر حسینی، ۱۳۸۰: ۷۳). ظهیری نیشابوری نیز از دولتخانه‌ای که در شهر مرو به آلپارسلان منسوب بوده است، یاد می‌کند (ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۲) که بنا بر نقل *مجمّل التواریخ و التخصّص مدفن وی* بوده است (مؤلف ناشناس، ۱۳۱۸: ۴۶۵) و در قصیده‌ی معروف «سنایی غزنوی» هم از مدفن وی در مرو سخن می‌رود.

زمینه‌های بازتاب آثار معماری دوره‌ی نخستین سلاطین سلجوقی در منابع مکتوب

پی‌گردی آثار معماری در تاریخ به هنگام ذکر بلایا و حوادث طبیعی

بلایا و حوادث طبیعی از وقایعی هستند که متون مکتوب در ارتباط با آن‌ها گوشه‌هایی از اقدامات عمرانی و ساخت‌وساز را در این عصر منعکس نموده‌اند. از جمله زمین‌لرزه‌ای که در زمان سلطنت طغرل در سال ۴۴۴ هـ.ق. در خراسان روی داد و از میان شهرهای خراسان بی‌هق، بیش از همه در این واقعه آسیب دید و باروی شهر و مساجد آن شدیداً تخریب شدند. بنا بر نقل ابن‌اثیر، این بارو تا سال ۴۶۰ هـ.ق. و تا زمان حکومت آلپارسلان خراب باقی‌ماند و سپس نظام‌الملک دستور تجدید بنای آن را داد و تجدید بنا شد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۸۲)، اما مؤلف تاریخ بی‌هق تاریخ تجدید این بنا را در سال ۴۶۴ هـ.ق. نوشته است و در توصیف بنا اضافه می‌نماید که «قصبه باره‌ای داشته است اندک دو مرد بالا چنان‌که نیزه بر وی رسیدی و تیغ سوار هم بر وی رسیدی، اما محکم بوده و جنگ‌گاه‌ها داشته، صاحب شهید نظام‌الملک رحمه‌الله فرمود تا آن اصل بگذاشتند و آن باره بلندتر گردانیدند فی سنهٔ اربع و ستین و اربعمائه» (علی بن زید بی‌هقی، ۱۳۶۱: ۵۳). براساس متون نواحی مختلف، ایران در این دوران شاهد وقایع طبیعی شدیدی از قبیل زلزله‌ها و باران‌های سیل‌آسا بوده است. ابن‌اثیر از زلزله‌ی شدیدی که در سال ۴۵۰ هـ.ق. بسیاری از بناهای مناطق عراق را ویران کرد و دامنه‌ی آن تا همدان نیز رسید یاد می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۲۲۰). هم‌چنین از سیل‌ها و باران‌های عظیمی یاد شده است که در سال ۴۵۷ هـ.ق. در بغداد، بصره و واسط، خوزستان و خراسان، جاری گشت و اکثر بلاد معموره‌ی آن بلاد را منهدم کرد و هزاران تن در زیر عمارت منهدمه جان سپردند (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۳۴۲۵). مؤلف تاریخ بی‌هق نیز ذکر می‌کند که پیران بی‌هق سال ۴۴۴ هـ.ق. را «سال زلزله» نام نهاده بودند (علی بن زید بی‌هقی، ۱۳۶۱، ۵۲). بدیهی است که اقدامات سلجوقیان در جبران و ترمیم این خسارت‌ها، نظیر ترمیم نواحی آسیب‌دیده بی‌هق در خراسان، پرشمار بوده است؛ هرچند که از کم‌وکیف آن‌ها اطلاع چندانی در دست نیست.

نقش امرا و بزرگان عهد سلاطین نخستین سلجوقی در زمینه‌ی آفرینش آثار معماری

منابع مکتوب تاریخی، علاوه بر ذکر اقداماتی که مستقیماً توسط طغرل و آلپارسلان برای احداث ابنیه در نقاط مختلف امپراتوری سلجوقی صورت می‌گیرد، نقش پُررنگی را در زمینه‌ی ساخت و مرمت مساجد و مراکز علمی نیز مدرسه برای امرا، وزرا و بزرگان این دوران بر می‌شمارد؛ از جمله‌ی این منابع می‌توان به کتاب *السیاق لتاریخ نیشابور* تألیف «عبدالغافر اسماعیل» ملقب به «ابوالحسن فارسی» اشاره نمود که شرحی از علمای نیشابور از قرون اولیه‌ی اسلامی تا روزگار مؤلف است. کتاب مزبور دارای حجم گسترده‌ای از اطلاعات در باب مدارس، مساجد، مقابر، محلات نیشابور و خراسان، در عهد سلاجقه است که مشابه آن را در منابع تاریخی معاصر آن نمی‌توان یافت.

از جمله منابع دیگر، کتاب *تاریخ بیهق* «ابوالحسن علی بن زید بیهقی» ملقب به «ابن فندق» که در حدود سال‌های ۵۴۴ الی ۵۶۳ هـ.ق. تألیف شده است و اطلاعاتی از ابنیه‌ی اوایل دوره‌ی سلجوقی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. برای مثال، وی به بنای مسجد سبز در بیهق در سال ۴۶۴ هـ.ق. اشاره کرده و ذکر می‌کند: «و عمارت مسجد سبز بر دست خواجه امیرک نزلابادی بود فی سنه اربع و ستین و أربعمائة و آن مسجد پیش از این سرگشاده بوده است و در میان آن درخت کشته، خواجه امیرک برین هیئت مرمت عمارت کرد» (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۰-۵۱). این خواجه امیرک، گویا در همین زمان مدرسه‌ای نیز در بیهق برپا کرده است و «احمد بن علی خسروجردی» مشهور به «ابن فطیمه» از علمای مقیم خسروجرد که به دستور نظام‌الملک به سبزوار مهاجرت کرده بود، در مدرسه وی منزل کرده است (همان: ۲۰۷).

از جمله منابع دیگر که اطلاعات چشمگیری راجع به ساخت و سازه‌های این عصر در ناحیه‌ی عراق عجم، به‌ویژه مدارس در اختیار ما قرار می‌دهد، کتاب مشهور *التقص* تألیف «شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی» است که بین سال‌های ۵۵۹-۵۶۶ هـ.ق. و در پاسخ به اتهامات کتاب *فضائح الروافض* تألیف شده است. مؤلف در بخشی از کتاب به ذکر مساجد، مدارس و ابنیه‌ای که توسط امرا و وزرای شیعه احداث شده، می‌پردازد که از این طریق می‌توان به اطلاعاتی در باب ابنیه‌ی احداث شده در عهد طغرل و آلپارسلان نیز دست یافت. به‌عنوان مثال، مؤلف *التقص* از «امیر ابوالفضل عراقی» یاد می‌کند و می‌نویسد که «امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب و محترم بود و باروی شهر ری و باروی قم و مسجد عتیق قم و منارها فرمود و مشهد و قبه سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام او کرد و خیرات بی‌مر که بذکر همه‌ی کتاب بیفزاید» (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۹). مسجدی که توسط ابوالفضل عراقی در قم ساخته شده است، بنا به‌قول مؤلف *التقص* در بیرون شهر احداث شده (همان: ۱۹۴) و احتمالاً در حدود میدان کهنه‌ی قم امروزی قرار داشته است (فقیهی، ۱۳۷۸: ۱۳۴). اقدامات امرای شیعه‌ی عهد طغرل در شهر قم در کتاب *تاریخ الوزرا* «ابوالرجای قمی» که در قرن ششم هـ.ق. نگاشته شده نیز انعکاس یافته است و مؤلف اشاره می‌کند که «دولت عراقیان ممتد گشت، دیوار قم و عمارت مسجد جامع بیرون شهر، و منارها آن‌جا، ایشان کردند» (ابوالرجای قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۶)؛ بنابراین با توجه به این اطلاعات، می‌توان دریافت که اقدامات عمرانی در شهر قم در عصر نخستین سلاطین سلجوقی پُرشمار بوده است.

مؤلف *التقص*، همچنین از شخصی موسوم به «خواجه علی نیکران» یاد می‌کند که «وزیر ملکان دیالم بود و خیرات بسیار فرموده» (همان: ۲۲۰) که اگرچه از تاریخ وفات او سخنی به میان نیآورده است، اما با توجه به این که وی از وزرای آخرین دیالمه‌ی عراق بوده است، وی را می‌توان هم‌عصر طغرل سلجوقی یادکرد. صاحب *التقص*، همچنین از مدرسه‌ی بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیسکی در محله‌ی کلاه‌دوزان ری یاد می‌کند که در عهد طغرل بنا شده است (همان: ۳۴). از دیگر امرایی که در سایر منابع عهد سلجوقی از وی یاد شده، می‌توان به امیر سوتکین (ساوتگین) سپهسالار آلپارسلان اشاره کرد که از او به‌عنوان بانی رباط خاکستر یاد شده است (علی بن ناصر حسینی، ۱۳۸۰: ۶۶) که براساس گزارش *تاریخ*

بیهقی محلی در خراسان و بر سر راه سرخس و هرات بوده است (بیهقی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۸). هم‌چنین از «الامیر الجلیل ابو شجاع اسفاریکی پیر اصفهان» در کتیبه‌ی برج‌مقبره‌ی چهل‌دختران امامزاده جعفر دامغان که از معدود آثار تاریخی به‌جای مانده از دوره‌ی نخست سلجوقی است، یاد شده است. تاریخ احداث این بنا براساس کتیبه‌ی کوفی آجرکاری شده، متعلق به سال ۴۴۶ هـ.ق. است (افشارفر، ۱۳۷۷: ۸۴).

نقش رقابت‌های سیاسی و مذهبی وزرا و بزرگان عهد سلجوقی در عمران و آبادانی

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، رقابت وزرا و امرای سلجوقی در حوزه‌ی عمران و آبادانی شهرها است؛ تا آن‌جا که منابع تاریخی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، سرعت بخشیدن به احداث ابنیه و مرمت آن‌ها را تا حدی در سایه‌ی این رقابت‌ها و کشمکش‌ها، به‌ویژه در زمینه‌ی مذهبی می‌دانند. اختلافات مذهبی و تقویت مذاهب مختلف از طریق ساختن مدارس و مساجد و وقف آن‌ها بر مذهب بنیان‌گذار بنا، یکی از دلایل مهم کثرت ابنیه‌ای است که در دوره‌ی سلجوقی احداث شده‌اند؛ در واقع اختلاف مذاهب، منجر به شکل‌گیری نوعی رقابت در بنای مدارس و مساجد شد که نمونه‌های آن در سرتاسر سرزمین‌های تحت‌سلطه‌ی سلجوقی بسیار است و به‌عبارتی، نوعی همبستگی مثبت میان تشدید اختلافات مذهبی بین فرق مختلف و احداث آثار و ابنیه‌ای، نظیر مدارس و مساجد در این عهد برقرار است. برای مثال، بنداری در *زبده‌النصره* و در ذکر اقدامات نظام‌الملک و آباد ساختن شهرها و احداث ابنیه توسط وی، اشاره می‌کند که نظام‌الملک تصمیم گرفت تا شهرها را در تیول امرای قرار دهد و همین امر باعث گردید تا امرا و سپاهیان تصمیم به آبادانی شهرها گرفته و شهرها آباد شوند (بنداری، ۱۳۵۶: ۶۷)؛ علاوه‌بر نمونه‌ی مشهور مسجد جامع اصفهان و رقابت تاج‌الملک و نظام‌الملک و یا احداث مدرسه‌ی تاجیه در بغداد در مقابل مدرسه‌ی نظامیه، می‌توان به نمونه‌های دیگری از این دست رقابت‌ها میان امرا و وزرای سلجوقی اشاره نمود. از آن جمله، شرف‌الملک، ریاست دیوان استیفای سلاجقه در عهد آلپارسلان که چون در بغداد مشاهده نمود که نایبان نظام‌الملک شروع به ساخت مدرسه‌ی نظامیه نموده‌اند، وی نیز بنا بر قول *زبده‌النصره* به پیروی از نظام‌الملک در امور خیر، بر گور ابوحنیفه در محله‌ی باب‌الطاق، مزاری بنا کرد و هم‌چنین برای پیروان وی مدرسه‌ای ساخت (بنداری، ۱۳۵۶: ۳۹؛ علی بن ناصر حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰۰)؛ وی مدرسه‌ای نیز برای حنفیین در مرو ساخت (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۰۰). اگرچه مؤلف *زبده‌النصره* دلیل این امر را پیروی شرف‌الملک از نظام‌الملک در امور خیر قلمداد می‌کند، اما باید به رقابت میان شافعیان و حنفیان در این عصر اشاره کرد که نمونه‌ی بارز آن، جدال میان نظام‌الملک و عمیدالملک کندی، وزیر مشهور طغرل سلجوقی است. می‌دانیم که این هر دو بغایت در مذهب حنفی و شافعی متعصب بوده‌اند و هر یک در ترویج مذهب خویش تلاش وافر می‌نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که نظام‌الملک، نظامیه‌ها را تنها مختص پیروان مذهب شافعی قرارداد و بنا بر نقل بنداری، اگر در شهری کسی را می‌یافت که در دانش سرآمد شده برای او مدرسه بنا می‌کرد و موقوفاتی برای مدرسه قرار می‌داد و در مدرسه کتابخانه تأسیس می‌کرد (بنداری، ۱۳۵۶: ۶۵)

داستان نظام‌الملک و مدرسه‌ای که ملک‌شاه در محله‌ی کران اصفهان برای پیروان هر دو مذهب ساخت، معروف است که چگونه نظام‌الملک مانع از مقدم داشتن نام ابوحنیفه بر نام امام شافعی گردید. «مادلونگ» نیز که در کتاب *فرقه‌های اسلامی* فصلی را به منازعات میان شافعیان و حنفیان اختصاص داده است؛ اختصاص مسجد طغرل به حنفیان را از مصادیق قدرت گرفتن مذهب حنفی در اوایل عهد سلاجقه و تعصب سلاجقه به این مذهب می‌داند (مادلونگ، ۱۳۸۱: ۶۲). این ماجرا برای مسجد سبز بیهق نیز صادق است و بیهقی دلیل ساخت آن را در جهت وقف به اصحاب ابوحنیفه می‌داند (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۷۱)؛ و یا مسجدی که «ابوعلی منیعی» در نیشابور، موسوم به «جامع منیعی» ساخت، مختص شافعیان بود و حنفیان «جامع قدیم» را در دست داشتند و مسجدی که طغرل در ری ساخت، اختصاص به اصحاب ابوحنیفه داشت و جامع قدیم در اختیار شافعیان قرار داشت؛ به عبارتی، نظام‌الملک که حامی شدید شافعیان عصر به‌شمار می‌آمد، خواسته است تا با بنای جامع منیعی در نیشابور موقعیت شافعیان را در شهر نیشابور که از بزرگترین و آبادترین شهرهای حکومت سلجوقی به‌شمار می‌رفت در مقابل حنفیان تقویت کند. خاصه از آن جهت که در دوره‌ی حکومت طغرل و وزیر حنفی مذهبش عمیدالملک کندری (که از قضا رقیب سرسخت نظام‌الملک به‌شمار می‌رفت و عاقبت به توطئه‌ی وی مقتول گردید)، موقعیت حنفیان به‌دلیل تعصب مذهبی شدید طغرل و وزیرش بر مذهب حنفی نسبت به شافعیان برتری یافته بود. روایت مهاجرت علمای بزرگ مذهب شافعی از خراسان، نظیر «امام الحرمین جوینی» به‌دلیل فشارهای پیروان مذهب حنفی در این عهد بسیار مشهور است؛ بنابراین احداث مسجدی برای حنفیان توسط طغرل در شهر ری که مرکز حکومت طغرل به‌شمار می‌رفت را باید در همین راستا تحلیل نمود. در متون هم‌چنین از مدرسه‌ای به‌نام مدرسه‌ی سلطانیه در نیشابور یاد شده است که گویا توسط طغرل سلجوقی احداث شده و تنها مختص حنفیان بوده است و علمای حنفی مذهب، نظیر «عبدالله بن حسین الناصحی» و «ادریس بن علی النیسابوری» در آن تدریس کرده‌اند (ابن ابی الوفا، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۸۱، ۳۶۰).

نقش علمای مذهبی مذکور در تراجم و طبقات در آفرینش سازه‌های معماری

از دیگر منابعی که می‌تواند در شناخت آثار سلاطین اولیه‌ی سلجوقی و پیش از ظهور سبک خاص سلجوقی به ما کمک نماید، کتب شرح‌حال علما و به‌اصطلاح «تراجم و طبقات» است. در این‌گونه کتب که معمولاً در ذکر علمای مختلف فرق اسلامی، نظیر شافعیه، حنفیه و شیعه، توسط پیروان آن مذاهب نگاشته شده است، اطلاعاتی از مدارس و مساجدی که علمای این فرق در آن تدریس کرده و مدارسی که بنیان نهاده‌اند، دیده می‌شود؛ هرچند که همانند عمده کتب تاریخی، این اطلاعات محدود به‌نام مدارس و مساجد و مکان و بانی آن‌ها می‌گردد و از جزئیات معماری آنان ذکری به‌عمل نمی‌آورند. به‌عنوان مثال، ابن کثیر در *طبقات الشافعیه* از عالمی به‌نام «محمد بن اسماعیل القاضی» مشهور به «ابوعلی ابن ابی عمرو الطوسی» یاد می‌کند که در طابران طوس، مدرسه‌ای در جوار مسجد جامع بنا کرده و در سنه‌ی ۴۵۹ هـ.ق. وفات کرده است: «أبو علی ابن ابی

عمرو الطوسی، المعروف بالعراقی... و بنی مدرسته علی باب جامع طابران و توفی سنه تسع و خمسين و أربعمائة» (ابن کثیر، ۱۴۲۵، ج ۱: ۴۰۸) که با توجه به تاریخ وفات عالم مذکور، می‌توان این مدرسه را از بناهایی دانست که در عهد حکومت سلاجقه در خراسان و پیش از احداث نظامیه‌ها بنا گردیده است. در واقع سنت احداث مدارس در خراسان، در آغاز قرن پنجم هـ.ق. و قبل از ظهور سلجوقیان رونق و شدت گرفته بود. چنان‌که اهالی نیشابور برای «ابواسحاق اسفراینی» (م. ۴۱۸ هـ.ق.) عالم بزرگ شافعی عصر، مدرسه‌ی بزرگی ساختند که پیش از آن نظیرش در خراسان دیده نشده بود (اسنوی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۰) و نویسندگان نظیر «مقریزی» (م. ۸۴۵ هـ.ق.) معتقدند که نخستین مدرسه‌ی رسمی که در اسلام، پیش از نظامیه‌ها بنا شده است، مدرسه‌ای است که اهالی نیشابور برای بزرگداشت و تکریم امام «ابوبکر احمد بن حسین بیهقی» (م. ۴۵۸ هـ.ق.) به نام «بیهقیه» برپا کرده‌اند (مقریزی، بی‌تا، ج ۲: ۳۶۳)؛ از جمله علمای دیگری که از او در منابع یاد شده است، می‌توان به فقیه شافعی «ابوالمحاسن رویانی» اشاره کرد که بنابر نوشته‌ی «ابن خلکان» در *وفیات الاعیان*، نظام‌الملک احترام زیادی برای وی قائل بوده است، در آمل مدرسه‌ای بنا کرده و در ری و هم‌چنین در مسجد جامع اصفهان تدریس می‌کرده است: «و کان الوزیر نظام الملک کثیر التعظیم له لکمال فضله... بنی بأمل طبرستان مدرسه، ثم انتقل إلی الری و درّس بها و قدم أصفهان و أملی بجامعها» (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۹۸).

بازتاب معماری عهد سلاطین نخستین سلجوقی در منابع ادبی

از دیگر منابع تحقیقی در باب معماری عصر سلجوقی، منابع ادبی و دواوین شعراست که در آن‌ها، می‌توان اطلاعاتی را راجع به معماری و ابنیه احداث شده در عهد سلجوقی به دست آورد؛ هرچند در دیوان شعرای قرن ششم هـ.ق. اطلاعات بیشتری راجع به معماری این عهد و بناهایی نظیر کوشک‌ها و کاخ‌ها که توسط امرا و وزرای سلجوقی ساخته شده است، می‌توان یافت. از قرن ششم هـ.ق. قطعاتی از «انوری»، «خاقانی» و «ظهیر فاریابی» در مدح امرا و بزرگان عصر سلجوقی به جای مانده است؛ نظیر اشعاری که از انوری ابیوردی (م. ۵۸۳ هـ.ق.) در صفت «قصر» و «باغ منصوریه» و مدح «امیر ناصرالدین طاهر» (انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۴۳) در وصف عمارت «ممدوح» (همان: ۱۰۳)، در تعریف قصر و عمارتی که امیر ناصرالدین طاهر در باغ ساخته بود (همان: ۱۲۹)، در وصف کوشک «صدر سعید ابوالحسن عمرانی» (همان: ۲۷۹) و در تعریف عمارت و مدح «صاحب عزیزالدین» (انوری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۶۹) و یا از «ظهیر فاریابی» (م. ۵۹۸ هـ.ق.) در وصف قصر «طغانشاه بن مؤید» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۰: ۷۰) و در وصف قصر ممدوح (همان: ۱۶۲) سروده شده است.

برخلاف قرن ششم هـ.ق.، یافتن چنین اطلاعات و اشاراتی در باب ابنیه‌ی عهد سلجوقی در متون ادبی قرن پنجم هـ.ق. دشوارتر است؛ دلیل این امر، در این نکته نهفته است که عمده شعرای بزرگ قرن پنجم هـ.ق.، نظیر: «فرخی»، «عنصری»، «منوچهری» و صدها شاعر دیگر این دوران، عمدتاً در مشرق ایران می‌زیسته و در خدمت سلاطین بزرگ غزنوی و یا سلاطین متأخر غزنوی بوده‌اند و تنها پس از

به قدرت رسیدن ملک‌شاه سلجوقی بود که شاعران بزرگی نظیر «امیر معزی» به دربار سلاجقه راه یافتند. از دیوان و اشعار شاعرانی نظیر «فخرالدین اسعد گرگانی» که برخی فتوحات زمان طغرل در اشعار وی ذکر شده و یا «برهانی»، پدر امیر معزی که در دربار آلپارسلان خدمت می‌کرد، نمی‌توان اطلاعات خاصی راجع به معماری دوره‌ی اولیه‌ی سلجوقی به‌دست آورد. عمده توسعه‌ی زبان و ادب پارسی دَری در مرکز و مغرب ایران پس از فروپاشی حکومت سلطان سنجر در خراسان، در میانه‌ی قرن ششم هـ.ق. روی داد که بیشتر شعرای بزرگ عهد عصر، نظیر: معزی و «رشید وطواط» و «ادیب صابر ترمذی» و «عبدالواسع جیلی» در دربار وی گردآمده بودند. از این‌رو تعداد بسیار دیوان‌ها و اشعار به‌جای مانده از شعرای نیمه‌ی دوم قرن پنجم و ششم هـ.ق. می‌تواند که منبع مهمی برای مطالعه‌ی روند معماری سلاجقه و انعکاس آن در منابع ادبی این عهد باشد که آن خود موضوع تحقیقی جداست.

نتیجه‌گیری

برخلاف تصور رایج و تأکید برخی از محققین عرصه‌ی هنر اسلامی که معتقد به آغاز فعالیت‌های عمرانی و ساختمان‌سازی سلجوقیان به تاریخی بعد از سال‌های ۴۵۹ هـ.ق. و تقریباً هم‌زمان با تاریخ ساخت نظامیه‌ها هستند؛ بررسی منابع مکتوب عصر سلجوقی، بیانگر حجم قابل‌ملاحظه و پُرشمار آثار معماری و اقدامات عمرانی در عهد سلاطین نخست سلجوقی است. بدین‌معنی که روند تثبیت حکومت سلاجقه در ایران و اشتغال سلاطین نخست سلجوقی، به کشمکش‌های سیاسی و نبردهای نظامی با غزنویان و آل‌بویه و در ادامه با امپراتوری بیزانس در غرب و خانات ماوراءالنهر در شمال‌شرق و همچنین بازماندگان غزنویان در شرق امپراتوری، مانع از پرداختن آنان به امور عمرانی نگردیده و اقدامات آنان در این حوزه نیز پُرشمار و دارای اهمیت بوده است.

آن‌چه از خلال گزارش‌های منابع این دوره به‌دست می‌آید، بیانگر این نکته است که سلاجقه در دوران آغاز حکمرانی، برخلاف ماهیت نظامی خود و حتی پیش از عصر طلایی ساخت مدارس و مساجد در انتهای قرن پنجم و آغاز سده ششم هـ.ق. در اکثر شهرهای مهم ایران و عراق، به‌ویژه مناطقی نظیر خراسان و بالأخص ناحیه‌ی نیشابور و توابع آن، ری، کرمان و عراق عرب، ابنیه متعدد و بالأخص مدارس و مساجدی برپا نموده‌اند که می‌تواند به‌عنوان سندی بر تثبیت حاکمیت سلجوقی و اعلان برآمدن قدرتی جدید و همچنین اثبات اخلاص ایمان دینی سلاجقه و اعتقاد آنان به مذهب سنت و خلافت عباسی تفسیر شود؛ هرچند که عمده‌ی این آثار، احتمالاً بر اثر تخریب‌های طبیعی و انسانی در دوره‌های بعد از میان رفته‌اند و عدم پابرجایی آن‌ها و به‌دست آمدنشان در نتیجه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی، به معنای عدم وجودشان در روزگار اولیه‌ی حکومت سلجوقیه نمی‌باشد.

این‌جاست که نقش منابع و متون تاریخی در روشن شدن این مطلب، می‌تواند گام مهمی در تأکید بیشتر باستان‌شناسان، به‌ویژه در گرایش دوران اسلامی، بر استفاده‌ی هرچه بیشتر از منابع و متون تاریخی باشد؛ زیرا زمانی که

آثار تاریخی و فرهنگی به‌دلایلی، چون: بلایای طبیعی و یا جنگ‌ها، از صحنه روزگار محو می‌گردند و دیگر ردی از آن‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست نمی‌آید. اشاره‌های منابع مکتوب، می‌تواند نقشی گرانبها در فهم و درک اوضاع حاکم در گذشته باشد.

پی‌نوشت

۱- شرح ویرانی مساجد و مدارس خراسان توسط مهاجمان غز، به‌تفصیل در منابع تاریخی این عهد نظیر: *سلجوق‌نامه* و *راحه‌الصدور* ذکر شده است (ظهیری‌نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۰؛ راوندی، ۱۳۳۳: ۱۸۰-۱۸۲).

۲- اتینگهاوزن و گرابر در کتاب *هنر و معماری اسلامی* به برخی مشکلات استفاده از منابع اشاره کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، در باب مشکلات بازسازی پلان مساجد از روی منابع تاریخی، به نمونه‌ی مسجد جامع نیشابور در قرون اولیه اشاره کرده و می‌نویسند که «توصیفات منابع از مسجد جامع نیشابور بسیار تیره‌اند» (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۴: ۱۰۰). از دید آنان بررسی منابع و مآخذ قرن پنج تا هفتم و اطلاعات آن‌ها درباره‌ی معماری، چندان موثق و مورد اطمینان نیست، زیرا عمده‌ی این اطلاعات در مورد جهان عرب و بالأخص سوریه و بغداد است و هیچ‌گونه ربطی به ایران و آناتولی ندارد (همان: ۳۷۵) و یا در مورد مشکلات تبیین ظهور مساجد با پلان چهار ایوانی در مرکز ایران در ابتدای قرن ششم به این که «اسناد ادبی و معماری موجود نیز تبیین و توجیه کافی و اقناع‌کننده‌ای را ارائه نمی‌کنند» اشاره نموده‌اند (همان: ۳۸۱).

۳- *راحه‌الصدور* راوندی که از منابع مهم تاریخ سلاجقه است، مجموعه اقدامات عمرانی و آثار معماری عصر حکومت بیست‌ساله‌ی ملک‌شاه را تنها در چندین سطر توصیف می‌کند: «و هرچند ربع مسکون است از بسیط زمین به امارت و اینبه خیرات سلاطین آل سلجوق آراسته است و هیچ شهری از شهرهای اسلام از آن زینت و حلیت خالی و عاطل نمانده است» (راوندی، ۱۳۳۳: ۹۸). «شست خویش از همه ممالک اصفهان اختیار کرد و آن‌جا عمارت‌های بسیار فرمود در شهر و بیرون شهر از کوشک‌ها و باغ‌ها، چون باغ‌کاران و بیت‌الماء و باغ احمد سیاه و باغ دشت کور و غیر آن و قلعه‌ی شهر و قلعه‌ی دزکوه او بنا فرمود و خزانه بر آن‌جا داشتی» (همان: ۱۳۲). عبارات راوندی، عیناً توسط مؤلفان قرون بعد مورد استفاده قرار گرفته و بی‌آن‌که چیزی بر آن بیفزایند یا تغییر اندکی در الفاظ و عبارات دوباره نقل شده است؛ به‌عنوان مثال، شبانکاره‌ی در مجمع‌الاسباب که در سال ۷۳۶ هـ.ق. تألیف شده است به تکرار متن *راحه‌الصدور* روی آورده است: «و در آخر دارالملک خود را باز اصفهان آورد و آن‌جا عمارت بسیار فرمود از کوشک‌ها و باغ‌ها، چون باغ‌کاران و باغ بیت‌المال و باغ احمد سیاه و باغ دشت‌کور و غیر آن و قلعه‌ی شهر و قلعه‌ی دزکوه او بنا کرد و خزانه آن‌جا داشتی (شبانکاره‌ی، ۱۳۷۶: ۱۰۴). بنداری اصفهانی نیز چیزی بر نوشته‌های انوشیروان بن خالد و عماد کاتب در *زبد‌النصره* نیفزوده و در باب آثار معماری عهد ملک‌شاه به سطور ذیل اکتفا کرده است: «به آبادانی کوشش داشت و در خرج و هزینه درین راه شوقش زیاد بود و در صحراها کاروانسراها برای مسافران و بر رودخانه‌ها پل‌ها برای عابران ساخت. از جمله بهترین کارهای خیر سلطان ملک‌شاه ساختن آب‌انبارها در راه مکه بود» (بنداری، ۱۳۵۶: ۷۸-۷۹).

۴- اثر مزبور به زبان عربی تألیف شده و در قرن هفتم هـ.ق. تلخیصی از آن به‌نام *المنتخب من السیاقی* توسط شخصی به‌نام «ابراهیم بن محمد صریفینی» (۵۸۱-۶۴۱ هـ.ق.) صورت گرفته است.

۵- رشیدالدین فضل‌الله همدانی در *جامع‌التواریخ*، همانند بیشتر منابع دوره‌های متأخر به بازگویی بی‌کم‌وکاست عبارات مورخین عهد سلجوقی پرداخته است و عیناً عبارت ظهیری در *سلجوق‌نامه* را با تغییرات اندکی بازگو می‌نماید: «و از این جماعت سلاطین بزرگوارتر و بر رعیت مشفق‌تر و به رعایت خلق سزاوارتر از ملوک آل سلجوق، رحم‌الله الماضین منعم، نبوده‌اند... چه چندان خیرات و مبرات که در ایام دولت ایشان ظاهر گشت از احیای معالم دین و تشیید قواعد مسلمانی و بنیاد و انشاء مساجد و مدارس و رباطات و قناطر و مستبلات و اوقاف و ادرار و انظار که بر علما و صلحا و قضات و سادات و زهاد و عباد و اخبار و ابرار کرده‌اند، در هیچ روزگاری نبوده است و آثار آن در ممالک اسلام هنوز باقی است» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۲).

۶- نمونه‌های وصف و مدح عمارت ممدوح در اشعار قرن ششم هـ.ق. متعدد است؛ از آن جمله، قطعاتی که انوری در مدح بزرگان، امرا و وزرای خراسان سروده است. نظیر آن‌چه در وصف عمارت ممدوح خویش سروده است.

ای نمودار ارتقاع فلک
ساکنات مقدسان چو ملک
اوج سقف تو رازدار سماک
بیخ صحن تو هم‌نشین سمک
در تمیز میان جنت و تو
رای رضوان در اوفتاده به شک
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۶۶۹).

هم‌چنین قطعه‌ای که در وصف کوشک ابوالحسن عمرانی سروده است.

حَبِّذا کارنامه اَرتَنگ
ای بهار از تو رشک برده به رنگ
صحن از صحن خلد دارد عار
سقفت از سقف چرخ دارد ننگ

داده رنگ ترا قضا ترکیب
 کرده نقش ترا قدر بی‌رنگ
 صورت قندهار پیش تو زشت
 عرصه روزگار نزد تو تنگ
 (انوری، ۱۳۷۶، ج ۱، ۳۷۹).

و یا قطعه‌ای که در وصف باغ و قصر منصوریه امیر ناصرالدین طاهر از امرای خراسان در عهد سنجر گفته است.

ویحک ای صورت منصوریه باغی و سرای
 یا بهستی که بدنیات فرستاد خدای
 گر بعینه نه هشتی نه جهانی که جهان
 عمر کاهست و تو برعکس جهان عمر فزای
 نیلگون برکه عنبر گل بسد عرقت
 آسمانیست که در جوف زمین دارد جای
 جویبار تو گهر سنگ شده دریاوار
 شاخسار تو صدفوار شده گوهرزای
 برده رضوان ز بهشت از پی پیوندگری
 از تو هر فضله که انداخته بستان پیرای
 (همان: ۴۴۳).

در دیوان ظهیرالدین فاریابی نیز اشعاری در این باب می‌توان یافت. مانند قصیده‌ای که در باب احداث قصر امیر طغانشاه بن مؤید گفته است.

قصر هدی شد به سعی شاه مشید
 رایت اسلام سرکشید به فرقد
 شاه جهان شهریار عالم عادل
 خسرو غازی طغانشه بن مؤید
 (ظهیرالدین فاریابی، ۱۳۸۰: ۷۰).

قطعه دیگری نیز که در وصف قصر ممدوح ساخته است در دیوان او موجود است.

به فر دولتت این قصر آن چنان آمد
 که مثل آن نه بدیده ست کس نه بشنیده
 چه گویمش؟ که سپهری ست پرستاره و ماه
 ز حسن بر فلک آفتاب خندیده
 برای زینت دیوار و سقف او به حیل
 زمانه رنگ ز رخسار حور دزدیده
 درو به وقت قدوم مبارکت مه و مهر
 ز زیر پای چو طفلان نثار برچیده
 ز روشنائی سقف و هوای او در وی
 همی‌نماید اسرار غیب پوشیده
 (همان: ۱۶۲).

کتابنامه

- ابن ابی‌الوفا، عبدالقادر بن محمد، ۱۴۱۳، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه*، تصحیح: عبدالفتاح محمد حلو، ریاض، هجر.
- ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۳۷۱، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعات علمی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۱۲، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تصحیح: عبدالقادر مصطفی عطا و نعیم زرزور، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۳۶۴، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، تصحیح: احسان عباس، قم، منشورات الشریف الرضی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۲۰۰۴، *طبقات الشافعیه*، به تصحیح: عبدالحفیظ منصور، بیروت، دار المدار الاسلامیه.

- ابوالرجا قمی، نجم‌الدین، ۱۳۶۳، *تاریخ الوزرا*، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، الگ، ۱۳۸۴، *هنر و معماری اسلامی ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت.
- استروناخ، دیوید و یانگ، کایلر، ۱۳۴۹، «سه آرامگاه برجی از دوره‌ی سلجوقی»، ترجمه: مجید وهرام، نشریه بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۵، صص: ۲۰۲-۱۴۵.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد، ۱۳۳۹، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات: محمدکاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- اسنوی، عبدالرحیم بن حسن، ۱۴۲۲، *طبقات الشافعیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۵، «مقدماتی درباره تاریخ معماری در ایران براساس متون فارسی»، *هنر و مردم*، شماره ۱۷۳، صص: ۲-۵.
- افشارفر، ناصر، ۱۳۷۷، «مسجد جامع دامغان»، *مسجد*، شماره ۳۹، صص: ۸۰-۹۹.
- افضل‌الدین کرمانی، احمد بن حامد، ۱۳۲۶، *تاریخ افضل یا بدایع الزمان فی وقایع کرمان*، به اهتمام: مهدی بیانی، تهران، چاپخانه دانشگاه.
- انوری ایبوردی، محمد بن محمد، ۱۳۷۶، *دیوان اشعار*، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی، ۱۳۵۶، *زیده‌النصره و نخبه العصر*، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه: محمدحسین جلیلی کرمانشاهی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- بیهقی (مشهور به: ابن فندق)، علی بن زید، ۱۳۶۱، *تاریخ بیهقی*، با مقدمه: محمد قزوینی و تصحیح: احمد بهمنیار، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی فروغی.
- بیهقی، محمد بن حسین، ۱۳۷۳، *تاریخ بیهقی*، با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌ها و جمله‌های دشوار و امثال و حکم و برخی نکته‌های دستوری و ادبی، به کوشش: خلیل خطیب‌رهبر، تهران، انتشارات مهتاب.
- تتوی، احمد بن نصرالله، ۱۳۸۲، *تاریخ الفی (تاریخ هزارساله اسلام)*، به تصحیح: غلامرضا طباطبایی‌مجدد، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- خیصی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳، *سلجوقیان و غز در کرمان*، به تصحیح: محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران، انتشارات طهوری.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، ۱۳۳۳، *راحه‌الصدر و آیه‌السرور*، در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح: محمد اقبال؛ بانضمام حواشی و فهارس با تصحیحات لازم: مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (بی‌تا)، *طبقات الشافعیه الکبری*، به تصحیح: محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *مجمع الانساب*، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر.
- صدرالدین حسینی، علی بن ناصر، ۱۳۸۰، *زیده‌التواریخ؛ اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی*، به تصحیح و مقدمه: محمد نورالدین، ضیاء‌الدین بونیاتوف و دکتر محمد اقبال، ترجمه رمضان روح‌اللهی، تهران، انتشارات ایل شاهسون.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین، ۱۳۹۰، *سلجوق‌نامه*، به انضمام ذیل سلجوق‌نامه ابوحامد محمد بن ابراهیم، تصحیح: میرزا اسماعیل افشار حمیدالملک، تهران،

- انتشارات اساطیر.
- عدل، شهریار، ۱۳۶۱، «کتیبه کاشی منار مسجد جامع دامغان (حدود ۴۵۰ هـ ق. / ۱۰۵۸ م.) کهن‌ترین نمونه‌ی بازمانده در جای از کاربرد کاشی در معماری اسلامی ایران»، نشریه/نثر، شماره ۷ و ۸ و ۹، صص: ۳۰۰-۲۹۷.
- فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل، ۱۴۰۳، *تاریخ نیسابور، المنتخب من السیاق به انتخاب: ابراهیم بن محمد صریفینی، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسه.*
- فاریابی، ظهیرالدین، ۱۳۸۰، *دیوان/اشعار، به تصحیح: دکتر امیرحسین یزدگردی، تهران، نشر قطره.*
- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین، ۱۳۸۶، *جامع‌التواریخ (مجلد تاریخ آل سلجوق)*، به تصحیح: محمد روشن، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- فقیهی، علی اصغر، ۱۳۷۸، *تاریخ مذهبی قم، بخش اول از تاریخ جامع قم، قم، انتشارات زائر.*
- قزوینی‌رازی، عبدالجلیل، ۱۳۵۸، *نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض (بعض فضایح الروافض)*، تصحیح و تحقیق: جلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، تهران.
- قیومی بیدهندی، مهرداد، ۱۳۸۵، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها»، *گلستان هنر*، شماره ۱۵، صص: ۲۰-۵.
- کریمان، حسین، ۱۳۷۱، *ری باستان*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۸۱، *فرقه‌های اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات اساطیر.*
- محمد بن منور، ۱۳۸۶، *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح و تنظیم: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه.*
- مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، بی‌تا، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار*، بغداد، مکتبه المثنی.
- بی‌نا (مؤلف ناشناخته)، ۱۳۶۶، *تاریخ سیستان*، به تصحیح: محمدتقی بهار، تهران، پدیده خاور.
- مؤلف ناشناخته، ۱۳۱۸، *مجمل‌التواریخ و القصص*، به تصحیح: محمدتقی بهار، به همت: محمد رضانی، تهران، انتشارات کلاله خاور.
- ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین حمید الدین، ۱۳۵۴، *سفرنامه ناصرخسرو*، به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
- نخجوانی، هندوشاه، ۱۳۴۴، *تجارب السلف*، به تصحیح: عباس اقبال، تهران، انتشارات طهوری.
- نسفی، عمر بن محمد، ۱۳۷۸، *القند فی ذکر علماء سمرقند*، تصحیح: یوسف الهادی، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
- یافعی، عبدالله بن اسعد، ۱۴۱۷، *مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان*، به تصحیح: خلیل عمران منصور، بیروت، دار الکتب العلمیه.